

رویکردهای نوین آموزشی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

سال هفتم، شماره یک، شماره پیاپی ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۱

ص ۷۳-۹۰

بررسی رابطه بین همنوایی گروهی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های کم دامنه شخصیتی آنان

احمد عابدی، عضو هیات علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

حمیدرضا عربی، عضو هیات علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

محسن لعلی، دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

مریم اسماعیلی، عضو هیات علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین همنوایی گروهی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های شخصیتی آنان انجام شده است. جامعه آماری پژوهش دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ بودند. به همین منظور ۱۸۰ نفر از دانش آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و مطالعه شدند. در این پژوهش از مقیاس همنوایی گروهی ال-۷۲، پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت، مقیاس سرسختی روان‌شناختی و پرسشنامه جایگاه مهار راتر استفاده شد. داده‌های حاصل از پژوهش به روش همبستگی و رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شد. نتایج به دست آمده گویای آن است که از بین ویژگی‌های شخصیتی، عزت نفس $0/53-$ ، سرسختی روان‌شناختی $0/48-$ ، جایگاه مهار درونی $0/35-$ و جایگاه مهار بیرونی $0/19+$ با همنوایی گروهی همبستگی معناداری داشته‌اند. نتایج رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که ضریب همبستگی چندگانه $0/533+$ و ضریب تعیین $0/284+$ بوده است ($P=0/001$). بنابراین، در مجموع $28/4$ درصد واریانس مربوط به همنوایی گروهی به وسیله متغیرهای شخصیتی (عزت نفس، سرسختی روان‌شناختی و جایگاه مهار) تبیین می‌شود. **واژه‌های کلیدی:** همنوایی گروهی، عزت نفس، جایگاه مهار، سرسختی روان‌شناختی، ویژگی کم دامنه شخصیت.

مقدمه

همنوایی گروهی^۱ یکی از انواع نفوذ اجتماعی^۲ است. منظور از نفوذ اجتماعی آن است که دیگران می‌کوشند به شیوه‌های مختلف ما را وا دارند به دلخواه آنان فکر، احساس و رفتار کنیم. متقابلاً ما نیز درصدد تأثیرگذاری بر افکار، احساسات و رفتار آنان بر می‌آیم (سیالدینی و گلدشتاین^۳، ۲۰۰۴). همنوایی گروهی را تغییر در رفتارها یا باورهای فرد در نتیجه فشار غیرمستقیم افراد گروه یا جامعه (سیالدینی و گلدشتاین، ۱۹۹۵) و یا تغییر در رفتار و عقاید شخص در نتیجه اعمال فشار واقعی یا خیالی از طرف فرد یا گروهی دیگر از مردم تعریف کرده‌اند (ارونسون^۴، ترجمه شکر کن، ۱۳۸۳).

همرنگ دیگران شدن در دو سطح اتفاق می‌افتد: اگر فرد فقط در رفتار آشکار یا ظاهری (مثل پوشش، هماهنگی‌های کلامی و الگوهای رفتاری در ابعاد مختلف) به علل متفاوت، خود را با دیگران هم‌نوا سازد، می‌گوییم همنوایی گروهی در سطح رفتار اتفاق افتاده است. این پذیرش که در سطح رفتار آشکار فرد ایجاد می‌شود، با عنوان پذیرش بیرونی (عمومی) نام برده می‌شود، اما اگر در همنوایی گروهی با دیگران، تغییری ایجاد شود که باورها و افکار فرد گسترش پیدا کند، آنگاه می‌توان از آن به عنوان تغییر در باورها یاد کرد. این نوع پذیرش که در سطح باورها رخ داده، از آن به عنوان پذیرش درونی (خصوصی) نام برده می‌شود (لطفی، ۱۳۷۳؛ تاکانو و سوجون^۵، ۲۰۰۸).

زمان آغاز مطالعات تجربی در زمینه این پدیده به دهه ۱۹۳۰ بر می‌گردد. در این سال‌ها یکی از روان‌شناسان اجتماعی ترک تبار، به نام «مظفر شریف»، آزمایشی درباره این موضوع انجام داد. وی به مطالعه فرایند شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی علاقه‌مند بود و می‌خواست بداند که این هنجارها چگونه در یک گروه یا جامعه شکل می‌گیرند. او برای این منظور از آزمودنی‌های خود خواست در اتاقی کاملاً تاریک بنشینند و دامنه تغییر حرکتی یک نقطه نورانی را تعیین کنند. وی در این آزمایش از نوعی خطای ادراکی به نام

1- conformity

2- social influence

3- Cialdini & Goldstein

4- Aronson

5- Takano & Sogon

«اثر خود جنبشی»^۱ بهره می‌گرفت. این نقطه نورانی در واقع حرکتی نداشت، اما از آنجا که هیچ‌گونه چاره‌جویی برای داوری درباره غیر متحرک بودن آن وجود نداشت، افراد آن را متحرک احساس می‌کردند. شریف آزمودنی‌ها را در موقعیتی گروهی گرد هم می‌آورد و از آنان می‌خواست، داوری‌های خود را در جمع با صدای بلند اعلام کنند. در جلسات متعددی که به صورت گروهی برگزار شد، برآوردهای آزمودنی‌ها تدریجاً به هم نزدیک شد و آنان در نهایت به اتفاق نظری در ارزیابی، خود دست یافتند (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲).

اما آنچه توجه روان‌شناسان اجتماعی و عامه مردم را به این پدیده بیش از پیش معطوف ساخت، پژوهشی بود که آس^۲ (۱۹۵۹) انجام داد. او معتقد بود که در موقعیت مطالعه «شریف»، افراد به این علت با نظر جمع همنوا شده‌اند که در مورد پاسخ صحیح، ابهام کاملی وجود داشته است. وی اذعان داشت، در چنین موقعیتی طبیعی است که افراد از دیگران به عنوان مرجع داوری خود استفاده کنند، اما آیا افراد در صورتی که از درستی رأی یا داوری خود مطمئن باشند، باز هم تسلیم نظر دیگران خواهند شد؟ آس برای یافتن پاسخ سؤال خود، موقعیتی آزمایشی ترتیب داد و از شرکت‌کنندگان خواست به تعدادی سؤال مربوط به ادراک دیداری پاسخ دهند: مثلاً دو ورق کاغذ که در یکی از آنها، یک خط عمود و در دیگری، سه خط عمود با اندازه‌های مختلف رسم شده بود، به آزمودنی‌ها نشان داد و از آنان خواست معین کنند، کدام یک از این سه خط از جهت طول مساوی با خط اصلی است. در جلسه آزمایش، افراد دیگری (معمولاً ۶ تا ۸ نفر) نیز حضور داشتند که در واقع همدستان پژوهشگر بودند، ولی آزمودنی واقعی از چگونگی موقعیت آنان اطلاعی نداشت. این افراد قبل از آزمودنی واقعی به سوال‌ها پاسخ می‌دادند، ولی در برخی موارد (۱۲ سؤال از ۱۸ سؤال) پاسخ همه آنها اشتباه بود و مثلاً خطی را که به وضوح با خط اصلی متفاوت بود، به عنوان پاسخ صحیح بر می‌گزیدند. در چنین موقعیتی، وقتی نوبت به پاسخ دهی آزمودنی واقعی می‌رسید، وی دچار شک و تردید می‌شد (آیا بدون توجه به نظر

1- autokine

2- Asch

دیگران، آنچه را که پاسخ صحیح است، انتخاب کند یا پاسخی را بر گزیند که اکثر اعضای گروه پذیرفته اند؟). در آزمایش‌های آش، بیش از ۷۶ درصد شرکت کنندگان، دست کم در یک مورد با جمع هم‌نوا شدند (زمانی و همکاران، ۱۳۷۰).

از این رو، سؤال اساسی این است که چرا افراد هم‌نوايي گروهی می‌کنند؟ در متون نظری روان‌شناسی اجتماعی، با توجه به آزمایش‌های شریف و آش، دو دلیل عمده هم‌نوايي گروهی را «هم‌نوايي گروهی اطلاعاتی»^۱ و «هم‌نوايي گروهی هنجاری»^۲ ذکر کرده‌اند. گاهی افراد به این علت با دیگران هم‌نوايي گروهی می‌کنند که معتقدند، رأی جمع بر رأی آنان ترجیح دارد. در این صورت گفته می‌شود که هم‌نوايي گروهی اطلاعاتی رخ داده است (در آزمایش شریف، مبهم بودن موقعیت باعث هم‌نوايي گروهی آزمودنی‌ها شد). گاهی نیز هم‌نوايي گروهی فرد با دیگران برای گریز از پیامدهای منفی یا وصول به نتایج مثبت آن است. در این صورت گفته می‌شود که هم‌نوايي گروهی هنجاری صورت گرفته است (آزمایش آش).

باند^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی با روش فراتحلیل، در زمینه هم‌نوايي گروهی به این نتیجه رسید که هم‌نوايي وقتی خود را به شکل نفوذ هنجاری نشان می‌دهد که شرکت کنندگان چهره به چهره بایکدیگر روبه‌رو شوند و به پاسخ‌های عمومی تمایل داشته باشند، درحالی که نفوذ اطلاعاتی در مواقعی وجود دارد که شرکت کنندگان به صورت خصوصی پاسخ دهند و یا به طور غیر مستقیم با اکثریت روبه‌رو شوند. همچنین او در پژوهش خود تاثیر اندازه گروه را در هم‌نوايي بررسی کرده و معتقد است که افزایش تعداد افراد باعث افزایش هم‌نوايي می‌گردد. به عبارت دیگر، دلیل هم‌نوايي گروهی را از موقعیت آزمایش، ویژگی‌های شخصیتی آزمودنی‌ها و یا ترکیبی از این دو ناشی دانسته‌اند (بارون و برن^۴، ۲۰۰۴، اسلوان^۵ و همکاران، ۲۰۰۹).

1- informational group conformity

2- normative group conformity

3- Bond

4- Baron & Byrne

5- Sloan

از مجموع ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با همنوایی گروهی، عزت نفس، سرسختی روان‌شاختی و جایگاه مهار بیشتر مطالعه شده است. این خصوصیات در حیطه ویژگی‌های کم‌دامنه شخصیت مطالعه می‌شوند. منظور از ویژگی‌های کم‌دامنه شخصیت، نظریه‌های محدود شخصیت است که عکس نظریه‌های بزرگ شخصیت چون فروید و یونگ است و بیشتر به بررسی شخصیت می‌پردازند تا درمان. به عبارت دیگر، چون بعضی از روان‌شناسانی که شخصیت را مطالعه می‌کنند، احساس می‌کنند که هیچ نظریه‌ای جامع نیست و شاید هم هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند جامع باشد، لذا پیشنهاد می‌کنند که برای رسیدن به درک کاملتری از شخصیت نیاز داریم که تعدادی نظریه جداگانه وضع کنیم که هر کدام گستره تناسب محدودی داشته باشد. این نظریه‌های حیطه محدود هر کدام بر یک وجه محدود و باریک شخصیت تاکید خواهند ورزید. محدود کردن هدف یا تمرکز تحقیق اجازه خواهد داد که حیطه انتخاب شده با جامعیت بیشتر بررسی شود تا هنگامی که سر و کار ما با کل شخصیت باشد (فیست و فیست، ۱۳۸۶).

ارونسون (۱۳۸۳)، مولیس^۱ و مک کینلی (۱۹۸۷)، آلوارو^۲ و کرانو (۱۹۹۶)، باهلر^۳ و گریفین (۱۹۹۴) و جیتن^۴ و همکاران (۲۰۰۶) به رابطه عزت نفس آزمودنی‌ها با همنوایی گروهی اشاره نموده‌اند. یافته‌های پژوهشی آنان حاکی از آن است که افرادی که عزت نفس کمتری دارند، خیلی بیشتر به فشار گروه تن درمی‌دهد تا کسانی که عزت نفس بیشتری دارند (بارون و برن، ۲۰۰۴؛ سیالدینی و گلدشتاین، ۲۰۰۴؛ ریسن^۵، ۲۰۰۵؛ برآن و شافر^۶، ۲۰۱۰). این پژوهش‌ها نشان دادند که افراد دارای عزت نفس بالا کمتر با دیگران همنوایی گروهی می‌کنند.

کوباسا^۷ (۱۹۸۸) طی مطالعاتی که در خصوص بررسی رابطه سرسختی روان‌شناختی با سایر متغیرها انجام داده، دریافته است که افراد سرسخت در مقابل شرایط فشارآور روانی

1- Mullis & Mckinley

2- Alvaro & Crano

3- Buehler & Griffin

4- Jetten

5- Reysen

6- Brown & Schaefer

7- Kobosa

مقاومت بیشتری دارند). افراد سرسخت احساس مسئولیت و هدفمندی قوی دارند (تعهد)، بر رویدادها احساس تسلط می‌کنند (کنترل) و دگرگونی‌ها را مایه بالندگی می‌دانند، نه تهدید (مبارزه جویی). در این ارتباط، بارگر^۱ (۱۹۷۹) طی آزمایشی به این نتیجه دست یافت که کسانی در مقیاس کنترل شخصی نمره بالاتری داشتند، کمتر تحت تأثیر اعمال نفوذ همداستان خود قرار گرفتند تا کسانی که نمره پایین‌تری داشتند. همچنین، یافته‌های پژوهشی پریس لین^۲، لیم پرتو باوئر^۳ (۲۰۰۰)، کن ورتی^۴ و میلر (۲۰۰۱) مدی^۵ و همکاران (۲۰۰۲)، سیالدینی و گلدشتاین (۲۰۰۴) و مدی و همکاران (۲۰۰۶) نیز به رابطه همنوایی گروهی با مؤلفه‌های سرسختی روان‌شناختی (تعهد، کنترل و مبارزه جویی) اشاره کرده است.

یافته‌های پژوهشی بایوند^۶ و مک دونالد (۱۹۷۱)، سینگ^۷ (۱۹۸۴)، بوند^۸ و اسمیت (۱۹۹۶)، رایت، سلف و جاستیس^۹ (۲۰۰۰)، کال گرن، رنو و سیالدینی^{۱۰} (۲۰۰۰)، سیالدینی و گلدشتاین (۲۰۰۴) و مایکل^{۱۱} و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۸) به رابطه بین جایگاه مهار آزمودنی‌ها و همنوایی گروهی اشاره کرده است. آنها در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که میزان همنوایی گروهی در افراد دارای جایگاه مهار بیرونی، بیشتر از افراد دارای جایگاه مهار درونی است.

در تحقیقی دیگر، جیتن و همکاران (۲۰۰۶)، تحت عنوان «چه هنگام افراد گروه تحت تأثیر هم‌رنگی قرار می‌گیرند» بیان کردند، عواملی مانند پایین بودن شرایط اقتصادی-اجتماعی، عزت نفس و اعتماد به نفس پایین و موقعیت ابراز نظر در این راستا مؤثرند؛ به این صورت که مثلاً دانش‌آموزان مقاطع پایین (راهنمایی) در حضور جمع بیشتر از دانش‌آموزان

1- Burger

2- Prislun, Iimpert & Bauer

3- Kenworthy & Miller

4- Maddi

5- Biond & Machdonald

6- Sing

7- Bond & Smith

8- Wright, Self & Justice

9- Kallgren, Reno & Cialdini

10- Michael

11- Michael

مقاطع بالاتر (دبیرستان) همنوایی دارند. بررسیها و تحقیقات نشان می‌دهد که هم‌رنگی نقش قالبی جنسی و انتظارات از دو جنس زن و مرد می‌تواند در همنوایی اثرگذار باشد (اسمیلر^۱، ۲۰۰۵؛ جیتن و همکاران، ۲۰۰۶، تاکانو و سوگون، ۲۰۰۸؛ ریدی و همکاران^۲، ۲۰۰۹). در پژوهش دیگری که گرانیه^۳ (۲۰۰۹) انجام داد به این نتیجه رسید که نقش قالبی جنسی در درونی‌سازی و همنوایی قوانین ترافیکی و رفتارهای پرخطر مؤثر است. به این صورت که زنان بیشتر از مردان درونی‌سازی و همنوایی دارند.

با توجه به یافته‌های پژوهشی فوق، مسأله اساسی پژوهش، بررسی رابطه بین همنوایی گروهی و ویژگی‌های کم‌دامنه شخصیتی، چون عزت‌نفس، سرسختی روان‌شناختی و جایگاه مهار دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان بوده است. بدین منظور، فرضیه‌های زیر بررسی شده‌اند:

- ۱- بین همنوایی گروهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با عزت‌نفس آنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین همنوایی گروهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با سرسختی روان‌شناختی آنان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین همنوایی گروهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با جایگاه مهار بیرونی آنان رابطه وجود دارد.
- ۴- بین همنوایی گروهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با جایگاه مهار درونی آنان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین همنوایی گروهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ترکیب خاصی از ویژگی‌های شخصیتی آنان رابطه وجود دارد.

1- Smiler

2- Reidy et al.

3- Granié

روش پژوهش

با توجه به اهداف و ماهیت پژوهش حاضر، طرح پژوهشی مورد استفاده همبستگی بوده است. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر از جمله بررسی‌های همبستگی چند متغیری است که طی آن به مطالعه رابطه ویژگی‌های شخصیتی با همنوایی گروهی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان و تعیین سهم نسبی هر کدام از عوامل شخصیتی در تبیین همنوایی گروهی پرداخته شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ بوده که با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای (شهر اصفهان ۵ ناحیه دارد، از هر ناحیه دو دبیرستان دخترانه به تصادف انتخاب و از هر دبیرستان به تصادف یک کلاس سوم انتخاب شد) تعداد ۱۸۰ نفر نمونه از بین آنان با توجه به واریانس مطالعات قبلی برآورد، انتخاب بررسی شده‌اند.

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها: در پژوهش حاضر از چهار ابزار به شرح ذیل استفاده شده

است:

۱- **مقیاس همنوایی گروهی ال-۷۲:** این مقیاس توسط لطفی (۱۳۷۲) برای دانش‌آموزان دوره متوسطه ساخته شده است. این مقیاس دارای ۴۷ ماده در طیف لیکرت است که به صورت ۰، ۱، ۲ و ۳ نمره‌گذاری می‌شود. روایی سازه مقیاس به روش همگرایی (همبستگی مقیاس همنوایی گروهی با مقیاس حمایت اجتماعی) بررسی و ضریب همبستگی ۰/۵۷ بین این دو مقیاس گزارش شده است. روایی محتوایی نیز از سوی صاحب نظران تایید و ضریب پایایی این مقیاس به شیوه بازآزمایی ۰/۹۴ گزارش شد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

۲- **پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت^۱:** این پرسش‌نامه توسط کوپر اسمیت (۱۹۷۶) ساخته شد و دارای ۵۸ ماده است که دارای پاسخ بلی و خیر است. شیوه نمره

1- Coopersmith selfesteem questionnaire

گذاری این مقیاس به صورت صفر و یک است. ضریب پایایی این پرسش‌نامه در تحقیق کوپر اسمیت و همکاران (۱۹۷۶)، به نقل از نیسی و همکاران، (۱۳۸۴) که از روش بازآزمایی استفاده کرده بودند؛ بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۸ محاسبه شد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۸ محاسبه گردید.

۳- مقیاس سرسختی روان‌شناختی^۱: این مقیاس توسط کیامرثی (۱۳۷۶) ساخته شد و دارای ۲۷ ماده است. هر ماده دارای چهار گزینه هرگز، به ندرت، گاهی اوقات و اغلب اوقات است و به ترتیب با نمره‌های ۰، ۱، ۲ و ۳ مشخص می‌شوند. ضریب پایایی این مقیاس در مطالعه کیامرثی (۱۳۷۶) که با استفاده از روش بازآزمایی محاسبه شده بود، برابر با ۰/۸۴ گزارش شده است. ضریب روایی این مقیاس نیز به روش ملاکی ۰/۵۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضریب پایایی به شیوه آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲ به دست آمد.

۴- پرسشنامه جایگاه مهارت^۲: در این پژوهش از پرسش‌نامه جایگاه مهارت راتر استفاده شد. این مقیاس یک پرسش‌نامه خودسنجی است که شامل ۲۹ ماده است و هر ماده دوجمله به صورت الف و ب است که جایگاه مهارت درونی و بیرونی را اندازه‌گیری می‌نماید. حسن زاده (۱۳۷۸) پایایی این مقیاس را بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۴ گزارش نموده است. در پژوهش حاضر ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها: به منظور تعیین رابطه بین همنوایی گروهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با متغیرهای شخصیتی (عزت نفس، سرسختی روان‌شناختی و جایگاه مهارت) از ضرایب همبستگی و آزمونهای معناداری آن و همچنین، برای تعیین همبستگی هر یک از متغیرهای پیش‌بین (سه عامل شخصیتی) در تبیین متغیر ملاک (همنوایی گروهی) از آزمون استنباطی رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

1- Psychological Hardiness Scale

2- Ahwaz Locous of Control - ALOC

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، ابتدا میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و سپس ضرایب همبستگی و رگرسیون به شیوه گام به گام ارائه شده است.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف معیار حداقل و حداکثر نمره‌های مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
همنوایی گروهی	۱۲۳	۸/۴۹	۳۹	۱۴۰
عزت نفس	۳۸/۰۲	۵/۲۵	۱۸	۴۸
سرسختی روان شناختی	۴۱/۰۸	۷/۷۲	۲۵	۵۷
جایگاه مهار درونی	۷/۵	۱/۵	۲	۱۰
جایگاه مهار بیرونی	۸/۵	۲/۵	۳	۹

نتایج جدول ۱ میانگین و انحراف معیار حداقل و حداکثر نمره‌های مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: ضرایب همبستگی همنوایی گروهی با ویژگی‌های شخصیتی

(عزت نفس، سرسختی روان شناختی و جایگاه مهار) دانش آموزان

ردیف	متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
۱	عزت نفس	-۰/۵۳۳	۰/۰۰۱
۲	سرسختی روان شناختی	-۰/۴۸۹	۰/۰۰۱
۳	جایگاه مهار بیرونی	۰/۱۹۷	۰/۰۰۸
۴	جایگاه مهار درونی	-۰/۳۵۶	۰/۰۰۱

نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های پژوهش در ارتباط با فرضیه‌های اول تا چهارم پژوهش، (جدول شماره دو) بیانگر آن است که:

بین همنوایی گروهی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان با عزت نفس آنان، همبستگی منفی معنی دار در سطح $P \leq 0/001$ وجود دارد.

بین همنوایی گروهی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان با سرسختی روان شناختی آنان، همبستگی منفی معنی دار در سطح $P \leq 0/001$ وجود دارد.

بین همنوایی گروهی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان با جایگاه مهار بیرونی آنان همبستگی منفی معنی دار در سطح $P \leq 0/001$ وجود دارد.

بین همنوایی گروهی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان با جایگاه مهار درونی آنان همبستگی منفی معنی دار در سطح $P \leq 0/001$ وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه پنجم پژوهش {ترکیبی از هر کدام از متغیرهای پیش بین (عزت نفس، سرسختی روان‌شناختی، جایگاه مهار بیرونی و درونی) در تبیین متغیر ملاک (همنوایی گروهی)} از رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

جدول شماره ۳: آزمون رگرسیون بین متغیرهای پیش بین (سه عامل شخصیتی)

و متغیر ملاک (همنوایی گروهی)

مدل	R چندگانه	R ²	F	سطح معناداری
متغیرها	۰/۵۳۳	۰/۲۸۴	۷۰/۵۲۶	۰/۰۰۱

ادامه جدول شماره ۳: آزمون رگرسیون بین متغیرهای پیش بین (سه عامل شخصیتی)

و متغیر ملاک (همنوایی گروهی)

متغیر	B	Beta	t	سطح معناداری
عزت نفس	-۰/۷۷	-۰/۳۷۱	-۴/۶۶	۰/۰۰۱
جایگاه مهار بیرونی	۰/۵۰۲	۰/۲۱۹	۳/۶۱	۰/۰۰۱
سرسختی روان‌شناختی	-۰/۵۳۷	-۰/۲۱۴	-۲/۷۱	۰/۰۰۱
جایگاه مهار درونی	-۰/۳۰۸	-۰/۱۲۸	-۱/۹۷	۰/۰۰۷
مقدار ثابت	۱۳۱/۲۲۷	-	۱۸/۳۵۶	۰/۰۴۹

تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که بین ترکیبی از متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک همبستگی معناداری وجود دارد ($R = 0/533$ و $P = 0/001$). همچنین، ضریب تعیین $0/284$ بوده است. این ضریب نشان می‌دهد که متغیرهای شخصیتی (عزت نفس، سرسختی روان‌شناختی و جایگاه مهار) در تعامل با یکدیگر می‌توانند $28/4$ درصد از متغیر ملاک (همنوایی گروهی) را تبیین نمایند. ضرایب استاندارد بتا و مدل رگرسیون نیز نشان می‌دهد که عزت نفس با همنوایی گروهی ($Beta = -0/371$ و $P = 0/001$)، جایگاه مهار بیرونی با

همنوایی گروهی (Beta=۰/۲۱۹ و P=۰/۰۱)، سرسختی روان‌شناختی با همنوایی گروهی (Beta= -۰/۲۱۴ و P=۰/۰۰۱) و جایگاه مهار درونی با همنوایی گروهی (Beta= -۰/۱۲۸ و P=۰/۰۰۱) همبستگی معناداری داشته‌اند.

جدول شماره ۴: ضرایب همبستگی همنوایی گروهی با مولفه‌های سرسختی روان‌شناختی (تعهد، کنترل و مبارزه جویی) دانش‌آموزان

ردیف	متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
۱	تعهد	-۰/۴۷	۰/۰۰۱
۲	کنترل	-۰/۴۲	۰/۰۰۱
۳	مبارزه جویی	-۰/۲۰	۰/۰۱۴

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین مؤلفه‌های سرسختی روان‌شناختی (تعهد، کنترل و مبارزه جویی) با همنوایی گروهی دانش‌آموزان همبستگی منفی وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین همنوایی گروهی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های شخصیتی آنان انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد بین همنوایی گروهی و عزت نفس دانش‌آموزان دوره دختر متوسطه شهر اصفهان همبستگی منفی وجود دارد؛ یعنی دانش‌آموزانی که دارای عزت نفس پایین بودند، دارای همنوایی گروهی بالاتری بودند. یافته‌های پژوهش تأییدی دیگر بر نتایج تحقیقات اورنسون (ترجمه شکر کن، ۱۳۸۳)، مولیس و مک کینلی (۱۹۸۷)، آلوارو و کرانو (۱۹۵۵)، باهلو و گریفین (۱۹۹۴) و جیتن و همکاران (۲۰۰۶) است. این پژوهشگران اظهار داشته‌اند، افرادی که عزت نفس کمتری دارند، خیلی بیشتر به فشار گروهی تن در می‌دهند تا آنهایی که عزت نفس بیشتری دارند. از نتایج پژوهش چنین استنباط می‌شود افراد دارای عزت نفس بالا در موقعیت‌های گروهی، مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند و به سادگی با نظر دیگران هم‌رای نمی‌شوند.

همچنین، نتایج نشان داد بین سرسختی روان‌شناختی و همنوایی گروهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان همبستگی منفی وجود دارد؛ یعنی آزمودنی‌هایی که دارای ویژگی شخصیتی سرسختی روان‌شناختی بالا بودند، همنوایی گروهی کمتری داشتند. یافته‌های حاصل از پژوهش با نتایج مطالعات کوباسا (۱۹۸۸)، بارگر و کوپر (۱۹۷۹)، مدی و همکاران (۲۰۰۲) و مدی و همکاران (۲۰۰۶) همسو است. کوباسا (۱۹۸۸) با استفاده از نظریه‌های وجودی در شخصیت، سرسختی روان‌شناختی را ترکیبی از باورها در مورد خویشتن و جهان تعریف می‌کند که از مؤلفه‌های تعهد، کنترل و مبارزه جویی تشکیل شده است. این افراد قادر به کنترل و یا تأثیرگذاری بر روی حوادث هستند و به سختی به همنوایی گروهی تن در می‌دهند. همچنین، نتایج نشان داد بین مولفه‌های سرسختی روان‌شناختی (تعهد کنترل و مبارزه جویی) و همنوایی گروهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان همبستگی منفی وجود دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که تعهد: احساس تعهد، دلبستگی یا عجین شدن با آنچه فرد انجام می‌دهد، نخستین مؤلفه سرسختی محسوب می‌شود. احساس تعهد در واقع، نقطه مقابل «بیگانگی از خود» است. فرد با احساس تعهد بالا، معنا، ارزش، اهمیت و هدفمندی خود، تحصیل، خانواده، زندگی و دنیا را دریافته است.

فرد از خود بیگانه، ارتباط خود را با دیگران، فعالیت‌ها و رخداد‌های پیرامون از دست داده است. از انجام یا روبه‌رو شدن با آنها لذت نمی‌برد و آنها را بی‌معنا و بی‌ارزش می‌داند (کیامرثی و دیگران، ۱۳۷۷). آن دسته از دانش‌آموزانی که در زمینه تعهد قوی هستند، بیشتر خود را درگیر می‌کنند تا اینکه در مقابل مشکلات خود را عقب بکشند. درک این موضوع بهترین روشی است که تجربیات پرتنش را ارزشمند می‌سازد. به عبارت دیگر، دانش‌آموز با تعهد بالا، احساس مسئولیت بالایی دارد، خود را مسؤول انتخاب‌ها، عقاید و رفتارهای خود می‌داند و به یک نوعی انسجام (یکپارچگی) و نزدیکی با خود و دنیای پیرامون دست می‌یابد و به آسانی در برابر شرایط ناخوشایند دچار فروپاشی نمی‌شود.

کنترل بر رویدادهای زندگی، مؤلفه دوم سرسختی به شمار می‌رود. احساس کنترل، در واقع، نقطه مقابل «ناتوانی» است. فرد با احساس کنترل بالا، به تلاش و عمل بیش از شانس اهمیت می‌دهد. فرد «ناتوان» بر این باور است که رویدادهای مثبت و منفی زندگی با تلاش‌ها و رفتارهای او رابطه‌ای ندارد و رویدادها فراتر از توان اوست (شکرکن، ۱۳۷۴). مبارزه جویی یا طبیعی دانستن تغییرات مؤلفه سوم سرسختی است. مبارزه جویی در واقع نقطه مقابل «احساس خطر یا ناامنی» است. افراد با چالش بالا، تغییر و تحول را قانون ثابت زندگی می‌دانند. فرد با احساس عدم امنیت بر این باور است که تغییرات، امنیت و آرامش او را بر هم می‌زند و مانع رشد و حرکت او می‌شود. آن دسته از افرادی که در زمینه مبارزه جویی قوی هستند، بر این باورند که انجام یک عمل در سایه آسایش، امنیت و روزمرگی به دست نمی‌آید، بلکه آنها به رشد مداوم از طریق آنچه از تجربیات مثبت و منفی زندگی می‌آموزند، نیاز دارند.

نتایج پژوهش نیز نشان داد هم‌نوایی گروهی با جایگاه مهار بیرونی، همبستگی مثبت و با جایگاه مهار درونی همبستگی منفی دارد. یافته‌های حاصل از پژوهش با نتایج تحقیقات بایوندو و مک دونالد (۱۹۷۱)، سینگ (۱۹۸۴)، وندلو و برانزمن (۱۹۹۵) و مایکل و همکاران (۲۰۰۸) همسوست؛ بدین ترتیب که افراد دارای ویژگی جایگاه مهار بیرونی بیشتر از افراد دارای جایگاه مهار درونی با دیگران هم‌نوایی می‌کنند. همچنین، نتایج پژوهش نشان داده‌اند که افراد دارای جایگاه مهار درونی در موقعیت‌های فشار گروهی یا موقعیت‌های تصمیم‌گیری بیشتر تأمل می‌کنند.

یافته‌های پژوهش‌های مذکور و پژوهش حاضر، حاکی از این است که وجود ویژگی‌های شخصیتی چون عزت نفس، سرسختی روان‌شناختی و جایگاه مهار درونی، باعث ظهور هویت فردی، استقلال در قضاوت و عدم هم‌نوایی گروهی یا مقاومت در برابر فشار گروهی و نفوذ دیگران می‌شود و در موقعیت‌های هم‌نوایی گروهی، علاوه بر توجه به موقعیت، باید به ویژگی‌های شخصیتی افراد نیز توجه نمود. در این خصوص بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند در هم‌نوایی گروهی نقش قالبی جنسی و انتظارات از دو جنس زن

و مرد می‌تواند در همنوایی اثر گذار باشد و دختران رفتارهای مطلوب اجتماعی و قوانین را بهتر با جامعه همنوایی می‌کنند (اسمایلر، ۲۰۰۵؛ جیتن و همکاران، ۲۰۰۶؛ تاکانو و سوگون، ۲۰۰۸؛ ریدی و همکاران، ۲۰۰۹؛ گرانیه ۲۰۰۹).

روان‌شناسان اجتماعی، از جمله ارونسون برای همنوایی گروهی دو علت ذکر می‌کنند: اول اینکه رفتار دیگران ممکن است شخص را متقاعد سازد که قضاوت اولیه او اشتباه بوده است؛ دلیل دیگر این که ممکن است وی مایل باشد که از نتیجه گروه احتراز جوید (از قبیل طرد شدن و مورد ریشخند و تمسخر قرار گرفتن) یا از آن کسب پاداشی کند (از قبیل دوستی و مقبولیت). بنابراین، به نظر می‌رسد که رفتار افراد در آزمایش‌های او در آزمایش‌های مشابه دیگر، به خاطر کسب پاداش یا پرهیز از تنبیه بوده است. از بین متغیرهای شخصیتی مورد مطالعه، متغیرهایی چون عزت نفس، سرسختی روان‌شناختی و مکان کنترل درونی، دارای بیشترین همبستگی در پیش‌بینی همنوایی گروهی در نمونه مورد بررسی بوده‌اند.

منابع

- آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲). **روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی**. تهران انتشارات سمت.
- ارونسون، الیوت (۱۳۸۳). **روان‌شناسی اجتماعی**. ترجمه حسین شکرکن. تهران: انتشارات رشد.
- زمانی، رضا و همکاران (۱۳۷۰). پژوهشی در مورد اکثریت متفق بر اقلیت واحد: آزمایش‌اش. **مجله پژوهش‌های روان‌شناختی**، دوره اول شماره ۱ و ۲، ص ۱۵-۴.
- فیست، جی؛ فیست گریگوری جی. (۱۳۸۶). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمه یحیی سید محمدی: نشر روان.
- لطفی، حمید (۱۳۷۳) **بررسی رابطه منبع کنترل و حمایت اجتماعی یا همنوایی گروهی اجتماعی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

کیامرثی آذر. (۱۳۷۶). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش سرسختی روان‌شناختی و بررسی رابطه آن با تیپ شخصیتی الف، کانون مهار، عزت نفس و عملکرد تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. نیسی، عبدالکاسم، شهنی بیلاق، منیجه، فراشبندی، افسانه (۱۳۸۴). بررسی رابطه ساده و چندگانه متغیرهای عزت نفس، اضطراب عمومی، حمایت ادراک شده و سرسختی روانشناختی با اضطراب اجتماعی دختران دانش آموزان پایه اول دبیرستانهای شهرستان آبادان. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۱۲، ص ۲۵-۳۶.

Alvaro, E. M., & Crano, W.D. (1996). Cognitive responses to minority-based communications: Factors that underlie minority influence. *British Journal of Social psychology*, 34, 105-121.

Baron, R & Byrne , D. (2004). *Social Psychology*. New Yourk: Allyn & Baconinc.

Baron, K. S. Vandello ,U.A., & Brunsmann. B. (1996). The forgotten variable in conformity research: Impact of task importance on social influence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 915-927.

Biondo, J., & Machdonald, J. R .(1971). Internal-External locus of control and response to influence attempts, *Journal of Personality*. 39 , 407 -419.

Bond, R. (2005). Group size and sonformity: *Group Processes Intergroup Relations*.8 (4) 331-354.

Bond, R., & Smith, P. B. (1996). Culture an Conformity: A meta – analysis of studies using Asch’s (1952,1956) Line Judyment Task. *Psychological Bulletin*, 119 , 11- 27.

Brown, A., & Schaefer, A. (2010). The effects of conformity on recognition judgments for emotional stimuli. *Acta Psychologica*, 133, 38-44.

Archive of SID

- Buehler, R., & Griffin, D. (1994). Change – of – meaning effects in conformity and dissent: Observing construal processes over time. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67 , 984-996.
- Burger, J.M., & Cooper, H. (1979). The desirability of control. *Journal of Motivation and Emotion*, 3, 333-393.
- Cialdini, R. B., & Goldstein, N. J. (2004). Social influence: Compliance and conformity. *Annual Review of Psychology*, 55, 591-621.
- Granic, M. A. (2009). Effects of gender, sex-stereotype conformity, age and internalization on risk-taking among adolescent pedestrians. *Journal of Safety Science*, 10 (5), 371-388.
- Jetten, J, Hornsey, M., & Adarves-Yorno, I. (2006). When Group Members Admit to Being Conformist: The Role of Relative Intragroup Status in Conformity. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32, 162-173.
- Kallgren, C. A, Reno, R. R., & Cialdini, R. B. (2000). A focus theory of normative conduct: when norms do and do not effect behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26 , 1002 – 1012.
- Kenworthy, J. B., & Miller, N. (2001). Perceptual asymmetry in consensus estimates of majority and minority members. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80 , 597-612.
- Kobasa, D. M. (1988). The hardy personality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42, 313 – 312.
- Maddi, S. R., Brow, M., Khoshaba, D. M., & Vaitkus, M. (2006). The relationship of hardiness and religiosity in depression and anger. *Consulting Psychology Journal*, 58, 148-161.
- Maddi, S. R, Khoshaba, D. M, Harvey, R. H, Lu, J. H., & Persico, M. (2002). The personality construct of hardiness, II: Relationships with measures of psychopathology and personality. *Journal of Research in Personality*, 36, 72-85.

- Michael, R. Welch, M. Tittle, C., Yonkoski, J., Meidinger, N. Grasmick, A. (2008). Social integration, self-control, and conformity. *Journal of Quant Criminol*, 24, 73–92.
- Mullis, R.L., & Mckinley, K. (1987). Relation between adolescent gender role orientation, self-esteem and social conformity. *This paper presented at the annual Conference of the National Council on family relation*. 49 th. Atlanta, GA November.
- Prislin, R., Limbert, W. M., & Bauer, E. (2000). From majority to minority and vice versa: the asymmetrical effects of losing and gaining majority position within a group. *Journal Personality and Social Psychology*, 79, 385 – 397.
- Reidy, D., Sloan, C., & Zeichner, A. (2009). Gender role conformity and aggression: Influence of perpetrator and victim conformity on direct physical aggression in women. *Personality and Individual Differences*, 46. 231–235.
- Reysen, M. (2005). The effects of conformity on recognition judgments. *Memory*, 13, 87–94.
- Singh, R. P. (1984). Experimental verification of locus of control as related to conformity behavior. *Journal of Psychology Studies*, 29 (1), 64-67.
- Sloan, P., Berman, M., Hill, V., & Bullock, J. (2009). Group Influences on Self-Aggression: Conformity and Dissenter Effects. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 28, (5), 535-553.
- Smiler, A. (2005). Development of the conformity to feminine norms inventory. *Sex Roles*, 52, 417–435.
- Smith, E. R., Macki, D. M. (1995). *social psychology*. New York: Worth Publishers.
- Takano, U., & Sogon, S. (2008). Are Japanese more Collectivistic than Americans? Examining Conformity in In-Groups and the Reference-Group Effect. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 39, 237-251
- Wright, D. B., Self, G., & Justice, C. (2000). Memory conformity: Exploring misinformation effects when presented by another person. *British Journal of Psychology*, 91, 189–202.